

## بررسی وضعیت توزیع درآمد و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی منطقه الموت)

ابوذر پرهیزکاری<sup>۱\*</sup>، محمد مهدی مظفری<sup>۲</sup>، رویا پرهیزکاری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۴ تیر ۹۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ بهمن ۹۳

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی وضعیت توزیع درآمد و رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی منطقه الموت استان قزوین است. این تحقیق از نوع کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه آماری در آن شامل کلیه خانوارهای روستایی منطقه الموت است. داده‌های موردنیاز مربوط به سال ۹۲-۱۳۹۱ بوده که با تکمیل پرسشنامه از ۳۲۸ خانوار نمونه جمع‌آوری شد. خانوارهای نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و فرمول کوکران انتخاب شدند. برای تعیین روایی و اعتبار پرسشنامه‌های تنظیمی از روش آلفای کرونباخ، برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد از ضریب جینی، برای محاسبه رفاه اجتماعی از شاخص سن و برای تعیین معنی‌داری نابرابری توزیع درآمد از آزمون کروسکال-والیس استفاده شد. تحلیل آماری در محیط نرم‌افزاری SPSS صورت گرفت. مقدار ضریب جینی برای مناطق رودبارالموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبارالموت غربی به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۴۴ و ۰/۳۹ برآورد شد. نتایج نشان داد می‌دهد که توزیع درآمد خانوارهای روستایی در منطقه رودبار الموت شرقی نسبت به دیگر مناطق ناپایدارتر است. نتایج آزمون کروسکال-والیس نیز نابرابری توزیع درآمد را در منطقه الموت نشان می‌دهد. افزون بر این، نتایج حاکی از آن است که سهم درآمد حاصل از فعالیت‌های باغداری مهم‌ترین عامل نابرابری توزیع درآمد در منطقه الموت است. نتایج حاصل از شاخص سن نیز نشان داد که خانوارهای روستایی منطقه رودبار الموت غربی از بیشترین سطح رفاه اجتماعی برخوردار هستند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، برای توزیع پایدار درآمد و انتقال آن از بخش باغداری به سایر بخش‌ها، سرمایه‌گذاری کافی در امر آموزش، هماهنگی فعالیت‌های بازتوزیعی دستگاه‌های اجرایی، فراهم نمودن زمینه برای جذب گردشگر، ارائه تسهیلات به نسل جوان برای جذب در بخش زراعی و ایجاد شغل دوم در صنعت و خدمات برای کشاورزان منطقه الموت پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** توزیع درآمد، رفاه اجتماعی روستائیان، ضریب جینی، منطقه الموت

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام نور تهران (پژوهشگر مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان قزوین و عضو بنیاد ملی نخبگان).

۲- استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه بین‌الملل امام خمینی (ره) قزوین.

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه بین‌الملل امام خمینی (ره) قزوین.

\*- نویسنده مسئول: (Abozar.parhizkari@yahoo.com)

## مقدمه

امروزه چه در سطح جهانی، چه در مقیاس بین کشورها و چه در سطح بین منطقه‌ای به توزیع درآمد توجه ویژه‌ای می‌شود. این موضوع در سال‌های اخیر جایگاه مهمی را در بحث‌های توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است. به همین علت توزیع متعادل درآمد به عنوان یکی از هدف‌های مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی می‌باشد. این مقوله می‌تواند بر روی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تأثیر بگذارد. همچنین، می‌تواند بر رشد اقتصادی از جهات گوناگونی تأثیر بگذارد (ارسلان بد، ۱۳۶۵).

مسئله توزیع درآمد ابعاد گوناگونی دارد، اما آنچه به طور مستقیم مربوط به عدالت و رفاه اجتماعی می‌شود، توزیع درآمد بین افراد و خانوارها یا توزیع درآمد فردی<sup>۱</sup> است که در بسیاری از کشورها به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست عمومی مطرح می‌شود. توزیع منطقه‌ای درآمد نیز از حیث عدالت و کارایی اهمیت ویژه‌ای دارد. هر یک از مناطق روستایی ایران بخش مهمی از جمعیت کشور را در بر دارد. به همین جهت، چگونگی توزیع درآمد بین این مناطق و تغییرات آن تا حدود زیادی وضعیت توزیع درآمد را مشخص می‌کند، ضمن اینکه پیامدهای مهمی را از نظر عدالت و کارایی در پی دارد (پرهیزکاری و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از پیامدهای توزیع درآمد، تأثیر بر توزیع جغرافیایی جمعیت در مناطق روستایی است. این مورد مسائل گوناگونی همچون تأثیر بر محیط‌زیست و کیفیت زندگی، عدم استفاده بهینه از امکانات طبیعی و انسانی و کاهش کارایی کلی اقتصاد کشور را در پی دارد (سرداری، ۱۳۸۵).

مسئله دیگری که در اغلب کشورهای در حال توسعه هست و همواره گریبان‌گیر مناطق روستایی در این کشورها می‌باشد، پدیده فقر و پایین بودن سطح درآمد خانوارهای روستایی (در سطحی پایین‌تر از معیشت عمومی) است. پدیده فقر که نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید کرده، افزایش مرگ و میر به خصوص نوزادان و مادران، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسان‌ها و در نهایت تنزل بهره‌وری اقتصادی را موجب می‌شود (خالدی، ۱۳۷۹). با توجه به اینکه شدت فقر به وضعیت توزیع درآمد هر جامعه بستگی دارد، لذا شناخت وضعیت توزیع درآمد جامعه می‌تواند در شناخت شدت فقر و مبارزه با آن کمک شایانی نماید. از سوی دیگر چون بیشتر جمعیت فقیر در روستاها زندگی می‌کنند و فعالیت اصلی آن‌ها کشاورزی است، مطالعه بر روی توزیع درآمد در روستاها و شناخت روش‌های ایجاد تنوع در درآمد روستاییان امری ضروری بوده، می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌های کشور کمک نماید (توده روستا، ۱۳۸۰).

منطقه الموت که محدوده مطالعاتی در این تحقیق می‌باشد، در شمال شرق استان قزوین واقع شده، در حدود ۲۵ درصد از تولیدات کشاورزی (محصولات زراعی و باغی)، ۲۱ درصد از تولیدات دامی (گاو، گوسفند و بز)، ۱۸ درصد از محصولات لبنی (شیر و فرآورده‌های اولیه آن) و ۲۸ درصد از تولیدات صنایع دستی (گلیم، قالی، جاجیم، بافتنی و ...) این استان را تأمین می‌نماید (سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین، ۱۳۹۱). با توجه به موقعیت رودخانه شاهرود در طول جغرافیایی این منطقه، اغلب خانوارهای روستایی در مزارع خود به فعالیت‌های کشاورزی می‌پردازند و منابع عمده درآمدی

آن‌ها شامل زراعت، باغداری و دامداری است. طی سال‌های اخیر، عواملی مانند رشد جمعیت، نبود امکانات رفاهی و آموزشی مناسب، ادامه تحصیل برای کسب مدارج دانشگاهی، مشکلات تولید در بخش کشاورزی، وضعیت نامناسب اشتغال، نبود تنوع در مشاغل کسب درآمد و نابرابری در توزیع درآمد به مهاجرت بسیاری از خانوارهای روستایی این منطقه به مناطق شهری هم‌جوار (قزوین، کرج، تهران، گیلان و مازندران) منجر شده است (پرهیزکاری و صبوچی، ۱۳۹۲). براساس آخرین گزارش‌های مرکز آمار، نرخ رشد سالانه جمعیت شهری استان قزوین ۳/۸۷ درصد بوده که نشان‌دهنده مهاجرت جمعیت ساکن نقاط روستایی به نقاط شهری این استان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به افزایش مهاجرت روستاییان منطقه الموت به نواحی شهری مجاور، می‌توان گفت که توزیع و تنوع درآمد و همچنین، برقراری اعتدال در سطح درآمدهای اکتسابی خانوارها تا حد زیادی به کاهش مهاجرت روستاییان منجر شده و به رفع مشکلات موجود در این منطقه کمک می‌نماید. افزون بر آن، با بررسی چگونگی توزیع درآمد خانوارهای روستایی منطقه الموت، به عنوان یک ابزار مدیریتی قوی، می‌توان راهکارهای مناسبی را برای تنوع درآمد و برنامه‌ریزی مناسب توسعه روستایی تدوین و ارائه نمود.

به‌طور کلی در زمینه نابرابری توزیع درآمد، شواهد تجربی و تاریخی کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که عوامل مختلفی نابرابری و عدم توزیع متعادل درآمد و تشدید آن را در جوامع روستایی موجب می‌شوند. از جمله این عوامل می‌توان به شرایط بد کسب و کار، نبود شغل مناسب، نبود تنوع درآمدی، مناسب نبودن شرایط توسعه اقتصادی، عملی و قابل اجرا نبودن سیاست‌های اقتصادی، شرایط نامساعد خانوادگی و غیره اشاره کرد (کیمنجو و تسچیرلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). با توجه به عوامل فوق، طی دهه‌های اخیر برای تعدیل نابرابری درآمد در مناطق فقیر روستایی، فعالیت‌های گوناگونی مانند کنترل قیمت‌ها، تعیین حداقل دستمزد، پرداخت یارانه، کمک به افزایش بهره‌وری طبقات کم درآمد و توزیع مجدد ابزار تولید انجام شده است (افشاری و خورده‌پر، ۱۳۸۹). افزون بر موارد فوق، مطالعات داخلی و خارجی متعددی در زمینه توزیع و تنوع درآمد در مناطق روستایی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

پروین (۱۳۸۰) به بررسی اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد در کشور پرداخت. نتایج نشان داد که آثار سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد، به شرایط اولیه کشور بستگی دارد و سیاست‌های تعدیل در مقابل افزایش قیمت‌ها در اقتصادهایی که ساختار نسبتاً انعطاف‌پذیری دارند، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید فراهم می‌آورد و آثار افزایش هزینه‌ی زندگی گروه کم‌درآمد را با ایجاد اشتغال و بهبود درآمدها جبران می‌کند. براتی (۱۳۸۵) وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شهرستان قوچان را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که میزان نابرابری در توزیع درآمد بین خانوارهایی که فقط به کشاورزی اشتغال دارند، بیشتر از خانوارهایی است که صرفاً به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند. حسینی و نجفی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با استفاده از شاخص‌های اقتصادی به بررسی توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری کشور طی سال‌های ۸۶-۱۳۶۳ پرداختند. نتایج نشان داد که طی دوره مورد بررسی توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری بوده و از نوسانات بیشتری نیز برخوردار بوده است، اما به‌طور کلی نابرابری

درآمد طی این دوره نسبت به گذشته کاهش یافته است. پرهیزکاری و همکاران (۱۳۹۱) با بهره‌گیری از ضریب جینی و منحنی لورنز به بررسی چگونگی توزیع درآمد و تأثیر آن بر اقتصاد خانوارهای روستایی شهرستان قزوین پرداختند. نتایج نشان داد که نابرابری در توزیع درآمد برای خانوارهایی که به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند بیشتر از خانوارهایی است که در بخش صنعت و خدمات مشغول به کار می‌باشند. همچنین، بهترین وضعیت توزیع درآمد برای خانوارهایی است که علاوه بر کشاورزی در فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز اشتغال دارند. مردانی و کرمی (۱۳۹۱) در تحقیقی با استفاده از اطلاعات هزینه-درآمد خانوارها و ضریب جینی به بررسی نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور طی سال‌های ۸۸-۱۳۶۸ پرداختند. نتایج نشان داد که به طور کلی نابرابری توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی کشور طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است، اما میانگین ضریب جینی برای چهار دوره برنامه توسعه واقع در سال‌های ۸۸-۱۳۶۸ با همدیگر اختلاف معنی‌داری دارند. جمشیدی و سلیمی‌فر (۱۳۹۲) با استفاده از ضریب جینی و شاخص‌های اندازه‌گیری تایل<sup>۱</sup> و اتکینسون<sup>۲</sup> به بررسی توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان خراسان رضوی و کشور پرداختند. نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری در توزیع درآمد بین مناطق شهری و روستایی استان خراسان رضوی و کشور هست و شاخص رفاه اجتماعی برای مناطق روستایی همواره کمتر از مناطق شهری بوده است. سپهردوست و زمانی شبخانه (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی و روش پانل دیتا به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد مناطق روستایی با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات پرداختند. نتایج نشان داد که توسعه فناوری اطلاعات در مناطق روستایی عامل مهمی در توزیع درآمد می‌باشد. افزون بر این، نتایج نشان داد که با افزایش نرخ بیکاری توزیع درآمد در جوامع روستایی طی دوره مورد بررسی بدتر شده است. عربی و خداپرست مشهدی (۱۳۹۳) معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی را با سطح کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴ مقایسه کردند. نتایج نشان داد که شاخص‌های رفاه اجتماعی مناطق روستایی در دوره مورد بررسی روندی کاهشی و خط فقر روندی افزایشی در سطح استان خراسان شمالی و کشور داشته‌اند.

در ادبیات خارجی نیز محققان بسیاری مقوله توزیع درآمد را از حیث اهمیت آن، مورد بررسی قرار داده‌اند. از این جمله، هاردینگ و گرینول<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با استفاده از ریزداده‌های مرکز مطالعات هزینه-خانوار استرالیا و مفهوم ضریب جینی به بررسی روند نابرابری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در این کشور پرداختند. آن‌ها پس از محاسبه ضریب جینی دریافتند که نابرابری درآمدی در مناطق روستایی طی دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۸۰ افزایش یافته، اما نابرابری هزینه ثابت مانده است. لی و هینگ‌فو<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های تلفیقی کشورها، ارتباط بین تورم، رشد اقتصادی و توزیع درآمد را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که تورم، وضعیت توزیع درآمد را در بین خانوارها بدتر می‌کند، سهم درآمدی

---

1- Theil Index

2- Atkinson Index

3- Harding and Greenwell

4- Li and Heng-fu

طبقه‌ی ثروتمند را زیاده‌تر می‌نماید، اثر منفی اما بی‌معنی روی سهم درآمدی طبقه‌ی متوسط و فقیر می‌گذارد و نرخ رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. پیکتی و سیز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با استفاده از سری داده‌های همگن درآمد، نابرابری درآمد در مناطق روستایی ایالات متحده را طی دوره ۱۹۹۸-۱۹۱۳ بررسی کردند. نتایج نشان داد که سهم دهک‌های بالا در توزیع نابرابر درآمد پس از جنگ جهانی دوم افزایش یافته و این شوک تا سال‌ها ادامه داشته است. گارسیا و باندربا<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) با انجام پژوهشی در دانشگاه سائو پائولو<sup>۳</sup> به بررسی اصلاحات اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی در آمریکای لاتین و کشورهای حوزه‌ی دریای کارائیب<sup>۴</sup> پرداختند. در این تحقیق منحنی کوزنتس نیز برای این کشورها ارزیابی شد. نتایج نشان داد که رابطه‌ی علی مستقیمی بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در این کشورها نیست و تنها عاملی که می‌تواند به خوبی توجیه‌کننده‌ی رشد اقتصادی و نابرابری درآمد باشد، چگونگی انجام اصلاحات اقتصادی است. ویو و پرلوف<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) در تحقیقی به بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری چین طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۵ پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش نابرابری درآمد در مناطق روستایی و رشد شکاف درآمدی در مناطق روستایی و شهری این کشور موجب رشد کلی نابرابری در طی دو دهه گذشته شده است. لیو<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) با استفاده از شاخص تایل و تحلیل عاملی سطح درآمد، در مقاله‌ای تحت عنوان تغییرات نابرابری مناطق روستایی در کشور چین بیان کرد که نابرابری مناطق روستایی چین روند رو به افزایش دارد و روند نابرابری درآمد با نابرابری اقتصادی موجود در مناطق روستایی مطابقت نمی‌کند. براز و بناموزیگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) با بررسی داده‌های مربوط به مخارج خانوارهای روستایی نشان دادند که توزیع درآمد در مکزیک و در ایالت‌هایی که به اقتصاد جهانی نزدیک‌تر هستند، به سمت بهبود پیش می‌رود. همچنین، نتایج نشان داد که ایجاد تنوع در مشاغل روستاییان، افزایش سطح درآمد خانوارها و کاهش فقر و شرایط نابسامان مناطق روستایی را سبب می‌شود. برگ و نیلسون<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) با استفاده از مجموعه داده‌های نرمال شده توزیع درآمد و شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر، اثر جهانی شدن و آزادی اقتصادی را بر نابرابری درآمد در ۸۰ کشور در دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۵ بررسی کردند. نتایج نشان داد که رابطه مستقیمی بین آزادی تجارت و نابرابری درآمد در کشورهای مورد بررسی هست.

مطالعات بررسی شده نشان می‌دهند که وجود نابرابری در توزیع درآمد، به بروز فقر و ایجاد شکاف درآمدی بیشتر در بین طبقات جامعه منجر می‌شود. به همین دلیل، موضوع نابرابری در توزیع درآمد، به‌ویژه در مناطق روستایی که کم‌درآمدترین اقشار جامعه را دارند، دغدغه خاطر سیاست‌گذاران هر کشوری است. با توجه به اهمیت این موضوع، در مطالعه

1- Piketty and Seaz

2- Garcia and Banderia

3- University of Sao Paulo

4- Caribbean Sea

5- Wu and Perloff

6- Liu

7- Borraz and Benamouzig

8- Bergh and Nilsson

حاضر تلاش شد تا ضمن بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی منطقه الموت، تأثیر آن نیز بر اقتصاد و رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی ارزیابی و تحلیل شود.

### مواد و روش‌ها

از نظر روش تحقیق، پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی بوده و رویکرد حاکم بر آن مجموعه‌ای از روش‌های توصیفی-تحلیلی و تحلیلی-آماری می‌باشد. جامعه آماری نیز شامل کلیه خانوارهای روستایی مناطق رودبار الموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبارالموت غربی است. با توجه به پراکندگی خانوارها در هر منطقه، ۱۲ روستا در رودبار الموت شرقی<sup>۱</sup>، هفت روستا در رجایی‌دشت<sup>۲</sup> و ۱۰ روستا در رودبار الموت غربی<sup>۳</sup> به صورت کاملاً تصادفی و برای تعیین خانوارهای نمونه انتخاب شدند. پس از تعیین روستاهای موردنظر، برای انتخاب خانوارهای نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی-شده استفاده شد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و فرض وجود حداکثر ناهمگنی، ۳۲۸ خانوار برآورد شد. جدول ۱، نحوه توزیع نمونه برآورد شده را برای منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد:

جدول ۱- توزیع نمونه برآورد شده برای منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه	تعداد روستاها	تعداد کل خانوار	تعداد خانوار نمونه
رودبار الموت شرقی	۱۲	۹۳۵	۱۳۴
رجایی دشت	۷	۶۲۰	۸۱
رودبار الموت غربی	۱۰	۸۳۲	۱۱۳
مجموع	۲۹	۲۳۸۷	۳۲۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های موردنیاز این تحقیق مربوط به سال ۱۳۹۲-۱۳۹۱ است که با مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه‌های تنظیمی در ۱۷ بند (سوال) جمع‌آوری شد. شش بند ابتدائی پرسشنامه به ویژگی‌های خانوارها (سن، جنسیت، تعداد اعضاء، تحصیلات، وضعیت اشتغال و سابقه کار)، پنج بند میانی به کیفیت زندگی و وضعیت درآمدی خانوارها و شش بند آخر نیز به وضعیت فعالیت‌های زراعی، باغی و دامی خانوارها مربوط است. جهت تعیین پایایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوایی (براساس میزان توافق متخصصان) استفاده شد. بدین منظور، ابتدا پرسشنامه تنظیمی در اختیار اساتید دانشگاهی و تعدادی از کارشناسان قرار گرفت و پس از جمع‌بندی نقطه نظرات آن‌ها نسبت به تنظیم پرسشنامه نهایی اقدام گردید. جهت سنجش اعتبار پرسشنامه نهایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و درصد اطمینان یا پایایی یافته‌ها در هر بخش از آن محاسبه شد. جدول ۲ نتایج حاصل از روش آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد:

۱- روستاهای اسماعیل‌آباد، آتان، ورک، دیکین، گرمارودک، شمس‌کلايه، باغ‌کلايه، گرمارودسقلی، گازرخان، زواردشت، کوشک و اوان

۲- روستاهای اویرک، وشته، حسن‌آباد، محمدآباد، ازگین سفلی، کارندچال و تنوره

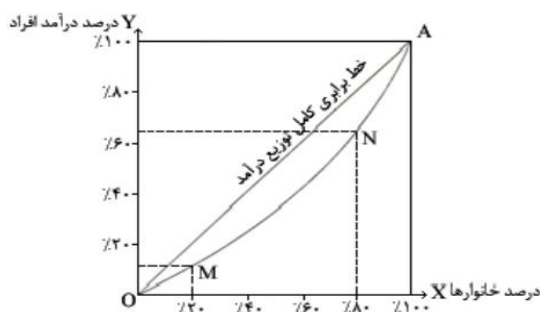
۳- روستاهای درچاک، بهرام‌آباد، سالارکيا، تاجدره، هیر، تلاتر، آکوجان، فلاز، شهرستان علیا و دهدوشاپ

جدول ۲- نتایج روش آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه تنظیمی

بخش‌های مختلف پرسشنامه	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
ویژگی‌های کمی و کیفی خانوارهای روستایی	۶	۰/۸۲
کیفیت زندگی و وضعیت درآمدی خانوارهای روستایی	۵	۰/۸۷
وضعیت فعالیت‌های زراعی، باغی و دامی خانوارهای روستایی	۶	۰/۷۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برای کلیه بخش‌های پرسشنامه تنظیمی در این تحقیق بیشتر از ۰/۷ به دست آمده است، لذا این پرسشنامه از پایایی و اعتبار بالایی برخوردار است. افزون بر موارد فوق، در مطالعه حاضر برای سنجش میزان نابرابری توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی منطقه الموت، از شاخص ضریب جینی و مفهوم منحنی لورنز استفاده شد. ضریب جینی یکی از مناسب‌ترین روش‌های بررسی و تحلیل سطح نابرابری توزیع درآمد است. طبق تعریف، این ضریب از نسبت میانگین مجموع قدر مطلق تفاوت بین تمامی جفت درآمدها و بیش‌ترین اندازه‌ی ممکن این تفاوت به دست می‌آید، مقداری بین صفر (حداقل نابرابری) و یک (حداکثر نابرابری) داشته، مستقل از میانگین بوده و متقارن می‌باشد، بدین معنا که اگر افراد درآمدهایشان را دو به دو معاوضه کنند، هیچ گونه تغییری در ضریب جینی حاصل نمی‌شود (فورستر و پیروسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). این ضریب مطابق شکل ۲ نسبت سطح بین منحنی لورنز و خط برابری ۴۵ درجه را به کل سطح بین خط برابری کامل و محور افقی نشان می‌دهد (جمشیدی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۲):



شکل ۱- منحنی لورنز برای یک توزیع درآمد فرضی

به طوری کلی، پس از مرتب کردن صعودی درآمد سرانه خانوارها و گروه‌بندی داده‌ها می‌توان تعیین کرد که هر یک از گروه‌های موردنظر چه درصدی از درآمد جامعه مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند. در این صورت، ضریب جینی برای هر منطقه با داده‌های گروه‌بندی شده به کمک رابطه ۱ قابل محاسبه و اندازه‌گیری می‌باشد:

$$G = 1 - \frac{1}{N} \sum_{i=1}^{N-1} (y_i + y_{i+1}) \quad (1)$$

در رابطه ۱،  $G$  ضریب جینی،  $y_i$  درصد تجمیعی درآمد خانوار در طبقه  $i$ ،  $y_{i+1}$  درصد تجمیعی درآمد خانوار در طبقه  $i+1$ ،  $N$  تعداد گروه‌های درآمدی و  $1/N$  نسبت گروه‌بندی است (سن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ پرهیزکاری و همکاران، ۱۳۹۱). پس از محاسبه ضریب جینی برای هر یک از مناطق مورد مطالعه، نسبت سهم گروه‌های پردرآمد (ثروتمندترین خانوارها) به کم‌درآمد (فقیرترین خانوارها) محاسبه شد. در ادامه، به منظور مقایسه میانگین متغیرهای مورد بررسی (سن، تحصیلات، سابقه کار، تعداد افراد خانوار) و سطح درآمد خانوارها در فعالیت‌های زراعی، باغی، دامی و جنبی (زنبورداری، دوره‌گردی، مغازه‌داری، خرید و فروش و غیره) پنجک‌های درآمدی در هر منطقه محاسبه شد. در پایان نیز برای مشخص شدن تفاوت‌های درآمدی بین مناطق مورد مطالعه و تعیین معنی‌داری توزیع نامتعادل درآمد در منطقه الموت از آزمون تحلیل آماری کروسکال-واریس<sup>۲</sup> استفاده شد. تحلیل در این آزمون مشابه با آزمون آنالیز واریانس (با آماره  $F$ ) می‌باشد و برای مقایسه میانگین‌های بیش از دو نمونه رتبه‌ای (فاصله‌ای) به کار می‌رود. فرضیه صفر در این آزمون بر خلاف فرض مقابل آن، تأکید بر عدم اختلاف بین گروه‌ها دارد. این فرضیه با توجه به سطح میانگین‌ها، پایه و مبنا را بر شباهت نمونه از یک جامعه مشترک می‌گیرد. با این تفسیر فرض صفر و یک در آزمون کروسکال-والیس به صورت رابطه ۳ مطرح می‌شوند (گرین و سالکیند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸):

$$\begin{cases} H_0 : \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_k \\ H_1 : \mu_i \neq \mu_j \quad i \neq j \end{cases} \quad (3)$$

در آزمون کروسکال-والیس،  $K$  نمونه با هم در نظر گرفته می‌شوند تا  $N$  مشاهده به دست آید. سپس، هر یک از  $N$  مشاهده به صورت رتبه‌ای درآورده می‌شود. کوچک‌ترین مقدار رتبه یک و بیشترین مقدار، آخرین رتبه  $N$  ام را به خود اختصاص می‌دهد. در پایان برای هر یک از  $K$  گروه، مجموع رتبه‌ها محاسبه می‌شود. شاخص آماری آزمون کروسکال-والیس به صورت رابطه ۴ می‌باشد:

$$H = \frac{12}{N(N+1)} \sum_{j=1}^k \frac{R_j^2}{n_j} - 3(N+1) \quad (4)$$

در رابطه ۴،  $H$  بیانگر شاخص آماری آزمون کروسکال-والیس،  $K$  بیانگر تعداد گروه‌ها،  $n_j$  بیانگر تعداد نفرات در هر گروه،  $N$  بیانگر تعداد کل نفرات یا مشاهدات کل و  $R_j$  بیانگر مجموع رتبه‌ها در هر گروه است. انجام آزمون فوق و محاسبه شاخص آماری کروسکال-والیس در محیط نرم‌افزاری SPSS صورت می‌گیرد (گرین و سالکیند، ۲۰۰۸).

1- Sen

2- Kruskal-Wallis Test

3- Green and Salkind



برای محاسبه میزان رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی منطقه الموت در این مطالعه، از شاخص رفاه اجتماعی سن استفاده شد. این شاخص، علاوه بر ضریب جینی، از معیار درآمد سرانه واقعی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای رفاه استفاده می‌نماید. از این رو، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای مقایسه ارزیابی رفاه اجتماعی جوامع مختلف است (عربی و خدپرست مشهدی، ۱۳۹۳):

$$S = \bar{y} (1-G) \quad (۶)$$

در رابطه ۶  $S$  شاخص رفاه اجتماعی،  $\bar{y}$  میانگین درآمد و  $G$  ضریب جینی است. در واقع، وجود ضریب جینی در رابطه ۶ نقش تأثیرات نابرابری توزیع درآمد در جامعه را بر میزان رفاه اجتماعی اندازه‌گیری می‌کند (سن، ۱۹۹۷؛ جمشیدی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۲).

### نتایج و بحث

در این مطالعه، برای محاسبه ضریب جینی ابتدا درصدهای تجمیعی درآمد و جمعیت برای خانوارهای نمونه در هر یک از مناطق رودبار الموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبار الموت غربی محاسبه شد و سپس، مقدار ضریب جینی برای هر یک از مناطق فوق برآورد شد. جدول ۳ درصد تجمیعی درآمد و جمعیت خانوارهای روستایی و جدول ۴ ضریب جینی برآورد شده را برای مناطق مورد بررسی نشان می‌دهد:

جدول ۳- درصد تجمیعی درآمد و جمعیت برای خانوارهای روستایی منطقه الموت

شماره دهک	رودبار الموت شرقی		منطقه رجایی دشت		رودبار الموت غربی	
	د ت *	د ت **	د ت ج	د ت د	د ت ج	د ت د
۱	۱۱/۳	۳۵/۷	۱۰/۸	۳۰/۳	۱۰/۳	۲۵/۷
۲	۱۹/۵	۵۷/۴۲	۲۲/۵	۴۵/۷	۱۹/۸	۴۰/۴
۳	۳۲/۶	۷۱/۵	۲۹/۹	۶۰/۲	۳۰/۴	۵۶/۲
۴	۳۸/۲	۷۹/۰	۴۰/۲	۷۰/۶	۳۹/۹	۶۷/۸
۵	۵۱/۴	۸۷/۳	۵۱/۴	۷۹/۰	۵۱/۶	۷۴/۶
۶	۵۹/۵	۹۳/۷	۶۰/۸	۸۷/۵	۶۰/۵	۸۲/۰
۷	۷۰/۷	۹۵/۶	۷۰/۲	۹۱/۰	۷۲/۱	۹۰/۴
۸	۷۸/۳	۹۸/۴	۸۰/۹	۹۶/۸	۸۱/۰	۹۶/۳
۹	۸۹/۵	۹۹/۷	۹۲/۱	۹۸/۷	۹۲/۸	۹۸/۵
۱۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

\*: درصد تجمیعی جمعیت، \*\*: درصد تجمیعی درآمد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴- ضرایب جینی محاسبه شده برای مناطق مورد مطالعه

مناطق مورد مطالعه	ضریب جینی (G)
منطقه رودبار الموت شرقی	۰/۵۲
منطقه رجایی دشت	۰/۴۴
منطقه رودبار الموت غربی	۰/۳۹
کل منطقه الموت	۰/۴۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول ۴ ملاحظه می‌شود که بیشترین مقدار عددی ضریب جینی ۰/۵۲ برای منطقه الموت شرقی و کمترین میزان این ضریب ۰/۳۹ برای منطقه الموت غربی برآورد شده است. این امر نشان می‌دهد که نابرابری توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی منطقه الموت شرقی بیشتر از دیگر مناطق بوده و خانوارهای روستایی منطقه الموت غربی دارای توزیع متعادل‌تری در درآمدهای اکتسابی خود می‌باشند. در منطقه رجایی دشت نیز نابرابری درآمد خانوارها بیشتر از منطقه الموت غربی و کمتر از الموت شرقی است. به‌طور کلی، میانگین ضریب جینی برای منطقه الموت ۰/۴۵ برآورد شد که حاکی از ناپایداری توزیع درآمد در این منطقه است.

پس از محاسبه ضریب جینی، به منظور مقایسه سهم گروه‌های پردرآمد نسبت به گروه‌های کم‌درآمد در هر یک از مناطق مطالعاتی، سهم ۴۰ درصد از خانوارهای کم‌درآمد، ۲۰ درصد از خانوارهای پردرآمد و ۴۰ درصد از خانوارهای با درآمد متوسط محاسبه شد و سپس نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۲۰ و ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد تعیین شد. جدول ۵ نتایج حاصل را نشان می‌دهد:

جدول ۵- مقایسه نسبت سهم خانوارهای روستایی پردرآمد به کم‌درآمد در منطقه الموت

سهم درآمدی خانوارهای روستایی	مناطق مورد مطالعه			کل منطقه الموت
	الموت شرقی	رجایی دشت	الموت غربی	
سهم کل (درصد)	۱۶/۵۳	۱۸/۷۶	۲۲/۰۸	۱۹/۶۲
سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد	۵/۷۴	۷/۴۳	۸/۲۶	۷/۱۳
سهم ۲۰ درصد دوم	۱۰/۷۹	۱۱/۳۳	۱۳/۸۲	۱۲/۴۹
سهم کل (درصد)	۴۵/۲۶	۴۱/۹۷	۴۳/۱۶	۴۱/۲۷
سهم ۴۰ درصد خانوارهای با درآمد متوسط	۲۱/۵۰	۱۷/۶۲	۲۱/۱۴	۱۸/۷۴
سهم ۲۰ درصد دوم	۲۳/۷۶	۲۴/۳۵	۲۲/۰۲	۲۲/۵۳
سهم کل (درصد)	۳۸/۲۱	۳۹/۲۷	۳۴/۷۶	۳۹/۱۱
سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد	۱۷/۳۴	۱۸/۱۲	۱۵/۴۸	۱۷/۸۳
سهم ۱۰ درصد دوم	۲۰/۸۷	۲۱/۱۵	۱۹/۲۸	۲۱/۲۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۵ ملاحظه می‌شود که در منطقه الموت شرقی سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد در حدود ۲/۳۱ برابر سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد است که این امر توزیع نامتعادل درآمد را در این منطقه نشان می‌دهد، در حالی که نسبت فوق برای منطقه الموت غربی در حدود ۱/۵۷ برابر است که نابرابری کمتر توزیع درآمد (توزیع عادلانه‌تر درآمد) را بین خانوارهای روستایی این منطقه در مقایسه با مناطق الموت شرقی و رجایی‌دشت نشان می‌دهد. جدول ۶، وضعیت توزیع درآمد را در هر منطقه با مقایسه سهم درآمدی خانوارهای روستایی به کمک نسبت‌های سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۲۰ و ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد نشان می‌دهد:

جدول ۶- بررسی نابرابری توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی منطقه الموت

نسبت مقایسه	مناطق مورد مطالعه			کل منطقه الموت
	الموت شرقی	رجایی-دشت	الموت-غربی	
نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۲۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد	۶/۶۵	۵/۲۸	۴/۲۰	۵/۴۸
نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد	۲/۳۱	۲/۰۹	۱/۵۷	۱/۹۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۶ ملاحظه می‌شود که نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۲۰ و ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد در منطقه الموت شرقی بیشتر از این نسبت در سایر مناطق است. این امر، نابرابری بیشتر درآمد را در منطقه الموت شرقی نسبت به مناطق رجایی‌دشت و الموت غربی نشان می‌دهد.

جدول ۷ میانگین متغیرهای مؤثر بر درآمد خانوارهای روستایی مناطق رودبار الموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبار الموت غربی را در سطح پنج‌کهای درآمدی نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۷ ملاحظه می‌شود که پردرآمدترین (ثروتمندترین) خانوارهای روستایی در منطقه الموت خانوارهایی هستند که بیشتر از ۱۲ هکتار اراضی باغی و زراعی دارند، دارای ۳ تا ۴ فرزند می‌باشند، سابقه کشاورزی آن‌ها ۲۹ تا ۳۱ سال و سن آن‌ها بین ۴۷ تا ۵۳ سال است، دارای ۱۳ تا ۱۴ رأس دام و تحصیلاتی در سطح ابتدایی و سیکل هستند. کم‌درآمدترین (فقرترین) خانوارهای روستایی نیز در منطقه الموت خانوارهایی هستند که اغلب بدون باغ و بدون فرزند بوده و اراضی زراعی آن‌ها نیز کمتر از ۵ هکتار می‌باشد. این خانوارها دارای سابقه زیر ۱۵ سال، کمتر از ۶ رأس دام، سنی کمتر از ۳۵ سال و تحصیلاتی در سطح خواندن و نوشتن و ابتدایی می‌باشند.

جدول ۷- مقایسه میانگین متغیرهای مؤثر بر درآمد خانوارهای روستایی منطقه الموت در سطح هر یک از پنجک‌های درآمدی

منطقه مطالعاتی	شماره پنجک	سن (سال)	سطح تحصیلات*	فرزندان (تعداد)	سابقه کار (سال)	اراضی (هکتار)	دام (رأس)
الموت شرقی	۱	۵۹/۴۲	۱/۱۷	۳/۱۳	۲۷/۱۶	۹/۱۶	۱۴/۵۳
	۲	۳۹/۲۴	۱/۸۶	۴/۲۸	۳۰/۱۴	۱۲/۳۳	۱۱/۶۶
	۳	۴۲/۱۷	۲/۰۷	۲/۵۶	۲۹/۶۵	۱۰/۲۷	۱۳/۸۰
	۴	۴۰/۳۷	۱/۵۳	۴/۱۱	۲۸/۶۰	۱۱/۶۸	۹/۴۴
	۵	۵۱/۸۶	۲/۱۱	۵/۰۸	۲۶/۴۵	۹/۸۳	۱۰/۲۸
رجایی‌دشت	۱	۴۱/۸۲	۲/۸۷	۳/۳۸	۲۷/۹۴	۱۰/۳۵	۱۱/۹۳
	۲	۴۳/۰۰	۳/۰۷	۴/۳۳	۲۹/۶۰	۷/۸۳	۹/۸۵
	۳	۵۵/۲۸	۳/۶۶	۴/۶۱	۳۳/۱۲	۹/۴۲	۱۲/۸۳
	۴	۴۳/۷۰	۳/۷۵	۵/۷۶	۳۰/۴۷	۹/۳۰	۱۴/۰۵
	۵	۵۲/۱۸	۲/۸۰	۳/۹۲	۲۸/۶۹	۱۱/۸۷	۱۰/۳۳
الموت غربی	۱	۵۰/۲۶	۴/۱۶	۳/۴۱	۲۸/۲۴	۱۰/۶۵	۱۱/۹۲
	۲	۳۹/۵۳	۲/۵۶	۴/۲۵	۳۲/۶۰	۸/۲۹	۹/۴۱
	۳	۵۲/۸۱	۳/۲۸	۳/۶۸	۲۹/۹۷	۱۴/۰۶	۱۳/۱۶
	۴	۳۹/۲۰	۴/۲۰	۵/۰۹	۳۱/۰۶	۱۲/۳۸	۸/۶۷
	۵	۳۷/۶۵	۳/۶۱	۳/۵۷	۳۰/۴۳	۱۱/۴۷	۹/۳۳

\* در این مقیاس ارزش گزاره بی‌سواد (=۱)، خواندن و نوشتن (=۲)، ابتدایی (=۳)، سیکل (=۴)، دیپلم و بالاتر (=۵) است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۸ میانگین عایدی خانوارهای روستایی مناطق رودبار الموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبار الموت غربی را از محل درآمد فعالیت‌های زراعی، باغی، دامی و جنبی در سطح هر یک از پنجک‌های درآمدی نشان می‌دهد. نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی منطقه الموت بیشترین درآمد خود را از طریق فروش محصولات زراعی و باغی کسب می‌کنند. دامداری نیز پس از باغداری و زراعت در تأمین درآمد خانوارهای روستایی این منطقه در اولویت قرار دارد. درآمدهای جنبی نیز بخش اندکی (کمترین سهم) از کل درآمد خانوارها را به خود اختصاص داده است. همچنین، ملاحظه می‌شود که بیشترین تمرکز خانوارهای روستایی این منطقه برای درآمدزایی، معطوف به فعالیت باغداری است. به طور کلی، نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که مجموع میزان درآمد سالانه خانوارهای روستایی منطقه الموت از ۱۱۱ میلیون ریال برای گروه‌های کم‌درآمد در رجایی‌دشت (پنجک‌های اول) تا ۲۳۴ میلیون ریال برای گروه‌های پردرآمد در الموت غربی (پنجک‌های آخر) متغیر است.

جدول ۸- مقایسه میانگین درآمد هر خانوار روستایی در منطقه الموت و در سطح هر یک از پنجک‌های درآمدی (بر حسب ۱۰ میلیون ریال)

درآمد کل	منابع درآمدی خانوارهای روستایی الموت				شماره پنجک	منطقه مطالعاتی
	جنبی	دامداری	باغداری	زراعی		
۱۱/۷۹۸	۰/۶۸۵	۲/۴۶۰	۶/۴۱۶	۲/۲۳۷	۱	الموت شرقی
۱۵/۶۹۷	۱/۰۶۰	۲/۹۲۷	۷/۷۳۰	۳/۹۸۰	۲	
۱۷/۹۸۱	۱/۸۴۳	۳/۲۶۷	۸/۳۸۸	۴/۴۸۳	۳	
۲۰/۰۲۱	۲/۰۸۶	۳/۸۱۷	۸/۹۵۰	۵/۱۶۸	۴	
۲۳/۴۵۸	۲/۷۶۴	۴/۳۷۷	۹/۲۸۶	۷/۰۳۱	۵	
۱۱/۱۰۲	۰/۶۲۵	۱/۸۹۰	۶/۲۳۸	۲/۳۴۹	۱	رجایی دشت
۱۴/۶۷۸	۱/۱۰۴	۲/۶۸۸	۶/۹۱۸	۳/۹۶۸	۲	
۱۷/۵۲۱	۱/۷۱۸	۳/۵۴۲	۷/۵۸۶	۴/۶۷۵	۳	
۲۰/۲۴۴	۲/۳۸۵	۳/۹۳۰	۸/۷۶۱	۵/۱۶۸	۴	
۲۳/۱۸۴	۲/۸۵۳	۴/۲۱۵	۹/۳۰۵	۶/۸۱۱	۵	
۱۲/۳۹۲	۰/۶۷۵	۲/۶۰۸	۶/۴۲۰	۲/۶۸۹	۱	الموت غربی
۱۵/۴۶۹	۱/۱۷۳	۲/۹۳۵	۷/۴۸۱	۳/۸۸۰	۲	
۱۷/۸۵۲	۱/۸۱۰	۳/۱۵۸	۸/۵۷۰	۴/۳۱۴	۳	
۲۰/۷۱۸	۲/۱۲۴	۳/۹۵۰	۹/۰۱۶	۵/۶۲۸	۴	
۲۳/۴۱۲	۲/۸۲۰	۴/۳۲۸	۹/۳۱۸	۶/۹۴۶	۵	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

پس از ارزیابی وضعیت درآمدی خانوارها، معنی‌داری نابرابری توزیع درآمد در هر منطقه با استفاده از آزمون کروسکال-والیس بررسی شد. جدول ۹ نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد:

جدول ۹- نتایج محاسبات آزمون آماری کروسکال-والیس

عامل مورد بررسی	مناطق مورد مطالعه	تعداد نمونه	میانگین رتبه	آماره کی دو (X <sup>2</sup> )	ارزش احتمال (P)
توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی	رودبار الموت شرقی	۱۳۴	۱۲۶/۳۷	۲۷/۰۶	۰/۰۰۴**
	رجایی دشت	۸۱	۱۰۹/۴۴		
	رودبار الموت غربی	۱۱۳	۱۱۸/۶۹		
	منطقه الموت	۳۲۸	-		

\*\* : ۰/۰۱ < P، (سطح اطمینان ۹۹ درصد)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول ۹ ملاحظه می‌شود که آماره آزمون کروسکال- وایس با ارزش احتمال  $0/004$  در سطح اطمینان ۹۹ درصد (سطح معنی‌داری یک درصد) معنی‌دار شده است. همچنین، نتایج حاصل از آزمون کروسکال- وایس نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری در توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی مناطق مورد بررسی وجود دارد که می‌تواند ناشی از تمرکز خانوارهای روستایی پرجمعیت بر فعالیت باغداری برای کسب درآمد باشد. این امر سبب شده تا خانوارهایی که بدون باغ و اراضی زراعی هستند و یا اینکه اراضی کمی را برای پرداختن به فعالیت‌های باغی و زراعی دارند، به لحاظ سطح درآمدی متفاوت با خانوارهای متملك و زمین‌دار باشند.

جدول ۱۰ میزان محاسبه شده‌ی شاخص رفاه اجتماعی سن را برای خانوارهای روستایی مناطق رودبار الموت شرقی، رجایی‌دشت و رودبار الموت غربی نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- نتایج شاخص رفاه اجتماعی سن برای خانوارهای روستایی منطقه الموت

منطقه مورد مطالعه	میانگین درآمد (۱۰ میلیون ریال)	ضریب جینی (G)	سطح رفاه اجتماعی (۱۰ میلیون ریال)
رودبار الموت شرقی	۱۷/۷۹۱	۰/۵۲	۸/۵۳۹۶
رجایی‌دشت	۱۷/۳۴۶	۰/۴۴	۹/۷۱۳۸
رودبار الموت غربی	۱۷/۹۶۸	۰/۳۹	۱۰/۹۶۰۵
کل منطقه الموت	۱۷/۷۰۲	۰/۴۵	۹/۷۳۶۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود که بیشترین مقدار شاخص رفاه اجتماعی برای خانوارهای روستایی منطقه الموت غربی که توزیع درآمد پایدار و متعادل‌تری دارند و کمترین مقدار شاخص رفاه اجتماعی برای خانوارهای روستایی منطقه رودبار الموت شرقی که توزیع درآمد ناپایدارتری دارند، حاصل شده است. این شاخص بیانگر آن است که در منطقه الموت شرقی خانوارهایی که دارای کمتر از  $۸۵/۳۹۶$  میلیون ریال و در منطقه الموت غربی خانوارهایی که دارای کمتر از  $۱۰/۹۶۰$  میلیون ریال درآمد سالانه هستند، در سطحی پایین‌تر از سطح رفاه اجتماعی قرار دارند و همواره برای رسیدن به سطح رفاه بالاتر (سطحی نزدیک به شاخص رفاه اجتماعی) در تلاش می‌باشند. برای خانوارهای روستایی منطقه رجایی‌دشت نیز سطح رفاه اجتماعی در حدود  $۹۷/۱۳۸$  میلیون ریال برآورد شد. افزون بر آن، شاخص رفاه اجتماعی سن، برای منطقه الموت به طور میانگین  $۹۷/۳۶۱$  میلیون ریال به دست آمد که تقریباً پیرامون سطح رفاه اجتماعی در منطقه رجایی‌دشت می‌باشد. به طور کلی، نتایج جدول ۱۰ حاکی از آن است که خانوارهای روستایی منطقه رودبار الموت غربی در مقایسه با خانوارهای مناطق رجایی‌دشت و رودبارالموت شرقی در تأمین نیازهای زندگی قدرت خرید بالاتری دارند و از توانایی بیشتری برای کسب تسهیلات و امکانات زندگی برخوردارند. به طور کلی، نتایج به دست آمده در این تحقیق با نتایج تحقیقات خالدی (۱۳۷۹)، طراز کار و زیبایی (۱۳۸۳)، براتی (۱۳۸۵)، سرداری (۱۳۸۵)، افشاری و خورده‌پر (۱۳۸۹)، جمشیدی و سلیمی‌فر (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد. افزون بر این، نتایج تحقیق حاضر در راستای نتایج تحقیقات دنینگر

و اسکوتر<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، دلار و کرای<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، فیجینی<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، هاردینگ و گرینول (۲۰۰۱)، ابونوری<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، پیکتی و سیز (۲۰۰۳)، کیسا<sup>۵</sup> (۲۰۰۳)، لیو (۲۰۰۶)، سومدا و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) می‌باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

موضوع نابرابری در توزیع درآمد، به ویژه در مناطق روستایی که کم‌درآمدترین اقشار جامعه را شامل می‌شوند، دغدغه خاطر سیاست‌گذاران هر کشوری است. به همین منظور، در مطالعه حاضر تلاش شد تا با استفاده از یک روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی منطقه الموت، تأثیر آن نیز بر اقتصاد و رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی این منطقه ارزیابی و تحلیل شود. برای نیل به این هدف، از شاخص جینی و آزمون کروسکال-والیس استفاده شد. داده‌های موردنیاز با مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه از ۲۳۸ خانوار نمونه جمع‌آوری شد. تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران صورت گرفت. برای تحلیل آماری داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد ضریب جینی برای مناطق مورد مطالعه نشان داد که توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی در رودبار الموت شرقی شکل ناپایداری را نسبت به مناطق رودبار الموت غربی و رجایی‌دشت دارد. این امر توجه بیشتر مسئولان این منطقه را در توزیع و انتقال درآمد از خانوارهای ثروتمند به خانوارهای فقیرتر ایجاب می‌کند. همچنین، نتایج حاصل از مقایسه نسبت سهم خانوارهای پردرآمد به کم‌درآمد نشان داد که در منطقه الموت شرقی سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد در حدود ۲/۳۱ برابر سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد است، در حالی که نسبت فوق برای منطقه الموت غربی در حدود ۱/۵۷ برابر می‌باشد که نابرابری کمتر در توزیع درآمد را بین خانوارهای روستایی این منطقه نشان می‌دهد. نتایج آزمون کروسکال-والیس نیز تأییدی بر صحت نتایج حاصل از ضریب جینی بود. مقایسه میانگین متغیرهای موثر بر درآمد خانوارهای روستایی منطقه الموت حاکی از آن بود که پردرآمدترین خانوارهای روستایی دارای بیشتر از ۱۲ هکتار اراضی باغی و زراعی، ۳-۴ فرزند، سابقه کار ۲۹-۳۱ سال، سن ۴۷-۵۳ سال، تعداد احشام ۱۴-۱۳ رأس و تحصیلاتی در سطح ابتدائی و سیکل می‌باشند. کم‌درآمدترین خانوارهای روستایی نیز بدون باغ و فرزند بوده و اراضی زراعی آن‌ها نیز کمتر از ۵ هکتار می‌باشد. این خانوارها دارای سابقه زیر ۱۵ سال، کمتر از ۶ رأس دام، سنی کمتر از ۳۵ سال و تحصیلاتی در سطح خواندن و نوشتن می‌باشند. نتایج حاصل از مقایسه میانگین درآمد خانوارها در سطح پنجک‌های درآمدی نشان داد که بیشترین تمرکز خانوارهای روستایی منطقه الموت برای درآمدزایی معطوف به فعالیت باغداری است و زراعت و دامداری پس از آن در اولویت قرار دارند. پس از محاسبه شاخص رفاه اجتماعی، نتایج نشان داد که خانوارهای روستایی منطقه الموت غربی که توزیع درآمد پایدارتری دارند، دارای سطح رفاه و قدرت خرید بالاتر و

خانوارهای روستایی منطقه رودبار الموت شرقی که توزیع درآمد ناپایداری دارند، دارای سطح رفاه اجتماعی پایین‌تری می‌باشند.

به طور کلی، نتایج این تحقیق نشان داد که ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی منطقه الموت بر توزیع درآمد بین آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد. در این راستا، خانوارهای با جمعیت بیشتر (با توجه به اینکه شغل اغلب افراد خانوارها کشاورزی است) و اقتصاد مناسب‌تر (به لحاظ کسب عایدی) دارای سطح درآمد بالاتر و متفاوت‌تری نسبت به خانوارهای کم جمعیت‌تر و بدون اراضی زراعی و باغی می‌باشند. به لحاظ موقعیت مکانی نیز خانوارهایی که در حوضه رودخانه شاهرود به فعالیت‌های کشاورزی می‌پردازند، به علت شرایط آب و هوایی معتدل‌تر و دسترسی به منابع آبی بیشتر دارای سطوح درآمدی بالاتر و رفاه اجتماعی مناسب‌تری نسبت به خانوارهای ساکن در مناطق کوهستانی بالادست می‌باشند. افزون بر این، نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که خانوارهای کم‌درآمد سهم ناچیزی از درآمدهای بخش باغداری را به خود اختصاص می‌دهند و بخش باغداری مهم‌ترین عامل ایجاد نابرابری درآمد در منطقه الموت است. به منظور برقراری تعادل و پایداری در توزیع درآمد توصیه می‌شود که مسئولین ذیربط زمینه و امکانات لازم را برای تشویق اقشار کم‌درآمد به انجام فعالیت‌های باغداری در این منطقه فراهم نمایند. همچنین، نتایج نشان داد که ثروتمندترین کشاورزان در گروه‌های درآمدی با سن بالا قرار دارند و این امر برای آینده کشاورزی منطقه الموت مشکل‌ساز خواهد شد. لذا، پیشنهاد می‌شود که بخش ترویج جهاد کشاورزی استان قزوین اقدامات لازم را در قالب برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی و ارائه تسهیلات و وام‌های خوداشتغالی جهت تشویق و جذب نیروی جوان و تحصیل‌کرده در بخش کشاورزی منطقه مبذول دارد. با توجه به مستعد بودن منطقه الموت در جذب گردشگر (به دلیل طبیعت بکر، دریاچه اوان، قلعه‌های تاریخی حسن صباح و لمبسر، امام‌زاده‌ها، غارها، رودخانه‌ها و آبشارهای زیبا) نیز پیشنهاد می‌شود که جهت انتقال درآمد از بخش باغداری به بخش فعالیت‌های جنبی شرایط و امکانات لازم (از قبیل ارائه خدمات به گردشگران، ساخت هتل‌ها، مهمان‌سراها، رستوران‌ها و غیره) توسط سازمان‌های مسئول در منطقه فراهم شود. افزون بر موارد فوق، به منظور افزایش سطح رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی منطقه الموت توصیه می‌شود که سیاست‌های حمایتی دولت (مانند توزیع کالابرها، بیمه مشاغل سخت، هدفمندسازی یارانه‌ها و غیره) به معنای واقعی و با توجه به شناخت مناطق محروم‌تر اجرا شوند و در حین اجرای این سیاست‌ها توجه بیشتری به پنجک‌ها و دهک‌های پایین درآمدی یا قشرهای آسیب‌پذیر منطقه شود.

## منابع

- ارسلان بد، م. ۱۳۶۵. توزیع درآمد در روستاهای ایران در سال ۱۳۵۱. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۴۸: ۱۴۸-۱۴۱.
- افشاری، ز. و خورده‌پر، ز. ۱۳۸۹. مقایسه نابرابری توزیع درآمد در استان فارس و کل کشور بر حسب مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۰. فصلنامه برنامه و بودجه، ۱۰۸: ۹۹-۷۵.
- براتی، ا. ۱۳۸۵. بررسی وضعیت توزیع درآمد بین خانوارهای روستایی در شهرستان قوچان. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۰(۲): ۲۶-۱۷.



- پروین، س. ۱۳۸۰. اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۵۸(۳): ۸۳-۶۷.
- پرهیزکاری، ا.، صبوچی، م. و سالاریور، م. ۱۳۹۱. بررسی چگونگی توزیع درآمد و تأثیر آن بر اقتصاد خانوارهای روستایی در شهرستان قزوین. همایش توسعه روستایی، ۱۶-۱۵ شهریور، گیلان، دانشگاه گیلان.
- پرهیزکاری، ا. و صبوچی، م. ۱۳۹۲. شبیه‌سازی پاسخ کشاورزان به سیاست کاهش آب آبیاری در دسترس. مجله آب و آبیاری، ۳(۲): ۵۹-۷۴.
- توده روستا، م. ۱۳۸۰. بررسی عوامل موثر بر وضعیت توزیع درآمد در بین کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان.
- جمشیدی، ر. و سلیمی‌فر، م. ۱۳۹۲. بررسی و مقایسه توزیع درآمد خانوارهای روستایی و شهری استان خراسان رضوی و کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵. مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۷(۳): ۲۶۶-۲۵۳.
- حسینی، م. و نجفی، ع. ۱۳۸۸. توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران (۱۳۸۶-۱۳۶۳). مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱(۳): ۱۶۵-۱۴۷.
- خالدی، ک. ۱۳۷۹. بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل موثر بر آن در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین. ۱۳۹۱. اداره تولید و بهبودات گیاهی.
- سپهردوست، ح. و زمانی شبخانه، ص. ۱۳۹۳. بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد مناطق روستایی با تأکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات. نشریه راهبردهای توسعه روستایی، ۱(۱): ۴۱-۳۱.
- سرداری، ک. ۱۳۸۵. بررسی مقایسه‌های وضعیت توزیع درآمد استان لرستان با کل کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، اراک.
- طرازکار، م. و زیبایی، م. ۱۳۸۳. بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد در جوامع روستایی و شهری. نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۴۸: ۱۶۴-۱۳۷.
- عربی، م. و خداپرست مشهدی، م. ۱۳۹۳. مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴. نشریه راهبردهای توسعه روستایی، ۱(۲): ۵۰-۳۵.
- مردانی، ی. و کرمی، ا. ۱۳۹۱. بررسی نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۵(۱): ۶۳-۴۷.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۸۸. تهران، مرکز آمار ایران.
- Abounoori, E. 2003. Unemployment, Inflation and Income Distribution: A Cross-country Analysis, *Journal of Iranian Economic Review*, 8(9): 1-11.
- Bergh, A. and Nilsson, T. 2010. Do Liberalization and Globalization Increase Income Inequality. *European Journal of Political Economy*, 26(4): 488-505.
- Borraz, O. and Benamouzig, D. 2007. Food and Pharmaceutical Agencies in Europe, Between Bureaucracy and Democracy. Cross National Perspectives, *A Commented Bibliography and Publications de la MSH*, pp: 63-87.
- Deining, K. and Squire, L. 1996. A new data set measuring income inequality, *World Bank Economic Review*, No: 87.
- Dollar, D. and Kraay, A. 2000. Growth is good for the poor, Working Paper, Washington, World Bank, No: 116.

- 
- 
- Figini, P. 2000. Measuring Inequality: on the Correlation between Indices. Luxembourg Income Study, *Working Paper*, 226: 27-33.
- Forster, M. and Pearson, M. 2002. Income distribution and poverty in the OECD area: Trends and driving Forces. OECD Economic Studies, NO: 34.
- Garcia, F. and Banderia, A.C. 2004. Economic reforms, inequality and growth in Latin America and the Caribbean, University of Sao Paulo, School of Economics and Business, Pp: 106-118.
- Green, S.B. and Salkind, N.J. 2008. Using SPSS for Window and Macintosh: Analyzing and understanding data, Upper Saddle River, NJ: Pearson Prentice Hall, Pp: 33-51.
- Harding, A. and Greenwell, H. 2001. Trends in Income and Expenditure Inequality in the 1980s and 1990s. Discussion Paper No. 56, National Centre for Social and Economic Modeling, University of Canberra, Canberra, Available: <http://www.natse.canberra.edu.au>.
- Kaasa, A. 2003. Factors Influencing Income Inequality in Transition Economics, University of Tartu Faculty of Economics and Business Administration, [www.tyk.ut.ee](http://www.tyk.ut.ee), Order No: 207.
- Kimenju, S. and Tschirley, D. 2008. Agricultural and livelihood diversification in Kenyan rural households. Tagamet Institute Working Paper Series, No: 29. Available at: <http://www.tegemeo.org>.
- Liu, H. 2006. Changing regional rural inequality in China 1980–2002, *Institute of Geographical Sciences and Natural Resources Research*, CAS, Beijing, (8): 100-113.
- Li, H. and Heng-fu, Z. 2002. Inflation, Growth and Distribution: a Cross-country study. *Annals of Economics and Finance*, pp: 68-85.
- Piketty, T. and Seaz, E. 2003. Income Inequality in the United States, 1913-1998, *the Quarterly Journal of Economics*, 118 (1): 1-39.
- Sen, A. 1977. On weights and measures: Information constraints in social welfare analysis. *Econometrical*, pp:1539-1572.
- Somda, J., Kamuanga, M. and Eric, T. 2006. Resources endowment, income distribution and needs for technologies among peri- urban smallholders in the Gambia, *Biotechnology Argon Solation Environment*, 10(3): 229–236.
- Wu, X. and Perloff, J. 2005. China's Income Distribution, 1985-2001. *Review of Economics and Statistics*, 87 (4): 763-775.

## **Survey of the Income Distribution and its Impact on the Social Welfare of Rural Households (Case Study: Alamut Region)**

**Abozar Parhizkari<sup>1\*</sup>, Mohammad Mahdi Mozaffari<sup>2</sup>, Roya Parhizkari<sup>3</sup>**

Accepted: 26 August, 2014

Received: 7 February, 2014

### **Abstract**

The main objective of this research is to survey the income distribution and the social welfare of rural households in the Alamut region of the Qazvin province. This research uses a descriptive analytical approach and the statistical society includes all rural households of the Alamut region. The required data are related to the years 2012-2013 during which questionnaires completed by 328 sample households were collected. The sample households were chosen using the stratified random sampling method and the Cochran formula was used for their selection. To determine the validity and reliability of the questionnaire the Cronbach's alpha method was used. In order to measure the inequality of income distribution the Gini Coefficient was used, and in order to measure social welfare level the Sen Index was used. In order to determine the insignificance of the inequality of income distribution the Kruskal–Wallis Test was used. Statistical analyses were performed using the SPSS software. The value obtained for the Gini coefficient for the Eastern Alamut Roudbar, Raj Dasht and the Western Alamut Roudbar were estimated to be 0.52, 0.44 and 0.39 respectively. The result showed that the income distribution of rural households in the Eastern Alamut region is more unstable than that of the other regions. The Kruskal-Wallis test result showed inequality of income distribution in the Alamut region. Moreover, the results show that the share of gardening activities income is the most important factor in the equality of income distribution in the Alamut region. The results using the Sen Index show that the rural households of the Western Alamut region have the highest level of social welfare. According to the obtained results, for a stable distribution of income and its transfer from the gardening sector to other sectors, more investment in education, coordinating and redistribution of activities of executive agencies, provision of better means for attracting tourists, offering the facilities to the younger generation to attract them to the agricultural sector and creating second jobs in the industry and services sectors for the farmers in the Alamut region are recommended.

**Key words:** Alamut Region, Gini Coefficient, Income Distribution, Rural Social Welfare.

---

1- PHD student of Agricultural Economics, University of PNU Tehran (Researcher of Agriculture and Natural Resources Research Center of Qazvin province and the member of the National Foundation of Elites)

2 - Associate Professor of Industries Management, Imam Khomeini International University Qazvin

3 - MSc student of Industries Management, Imam Khomeini International University Qazvin

(\* - Corresponding author email: Abozar.parhizkari@yahoo.com)